

بنام خدا

## اثبات و دفاع از ولایت فقیه



## با استناد به روایات و گفتار بزرگان

این یک مقاله نیست این یک پیام ویا تحقیق است تا ولی فقیه را شناخته شود

محقق: فاطمه پورشفیعی ۹۱ سال

## در صحیحۀ زراره از امام باقر (ع) روایت می کند که فرمود:

"بنی الاسلام علی خمسة اشياء : علی الصلاة و الزكاة و الحج و الصوم و والولاية زراره می پرسد کدامیک برترند؟ امام می فرماید : ولایت زیرا ولایت کلید دیگر فرائض است . ووالی (ولی امر مسلمین رهبر و هدایت کننده به سوی پایه های شریعت است). (کافی شریف ج ۲ - ص ۱۸)

در کتاب سلیم بن قیس هلالی (ص ۱۸۲) در فرمایش مولا امیرالمؤمنین می خوانیم:

"والواجب - فی حکم الله و حکم الاسلام علی المسلمین بعد ما يموت امامهم .... ان لا يعملوا و لا يحدثوا حدثاً و لا يقدموا یداً و لا رجلاً و لا یبدا و ابشی قبل ان یختاروا لانفسهم اماماً عقیفاً

عالماً ورعاً عارفاً بالقضا و السنة یجمع أمرهم و یحکم بینهم و یأخذ للمظلوم من الظالم حقّه و یحفظه اطرافهم.

بر مسلمانان واجب است پس از فوت امام (ولی امر مسلمین) پیش از هر کار رهبری را انتخاب کنند که پاکدامن ، دانشمند ، پارسا و دارای شناخت به احکام دین باشد، تا محور جمع گردیده و حق مظلوم را از ظالم بستاند و از پهنای سرزمین اسلام حراست نماید.

عمید الشیعه ، ابو عبدالله محمد بن نعمان بغدادی معروف به شیخ مفید (متوفای سال ۴۱۳) در کتاب "المقتعه در باب امر به معروف و نهی از منکر فرموده است:

"اجرای حدود و احکام انتظامی اسلام ، وظیفه سلطان اسلام است که از جانب خداوند منصوب گردیده اند ، می باشند . و امامان نیز این امر را به فقهای شیعه تفویض کرده اند تا در صورت امکان مسئولیت اجرائی آن را بر عهده گیرند.

(المقتعه ص ۸۱۰-۸۱۱)

" فقد فرّضوا (ع) الی الفقهاء اقامة الحدود و الاحکام بین الناس بعد ان لا یتعدوا واجباً و لا یتجاوزوا حدّاً و امروا عامة الشیعه بمعاونة الفقهاء علی ذلك ، ما استقاموا علی الطریقه و لم یحیدوا....

امامان معصوم (ع) اجرای احکام انتظامی را به فقها وگذارنموده و به عموم شیعیان دستور داده اند تا از ایشان پیروی کرده ، پشتوانه آنان باشند ، و آنان را در این مسئولیت یاری کنند. ( المرآة السمرقندیة ص ۲۶۳-۲۶۴)

" و اما اقامة الحدود فانها الی الامام خاصّة او من یأذن له . و لفقهاء الشیعه فی حال الغیبة ذلك.... و لفقهاء الحکم بین الناس مع الامن من الظالمین ، و قسمة الزکوات و الاخماس و الافتاء....." اجرای احکام انتظامی ، در عصر حضور ، با امام معصوم یا منصوب از جانب او ، و در عصر غیبت با فقهای شیعه می باشد و همچنین است گرفتن و تقسیم زکات و خمس و تصدی منصب افتاء. (ایضاح الفوائد ج ۱ ص ۳۹۸-۳۹۹)

" و الحدود و التعزیرات الی الامام و نایبه و لو عموماً ، فیجوز فی حال الغیبة للفقیه اقامتها مع المکنة . و یجب علی العامة تقویته و منع المتغلب علیه مع الامکان . و یجب علیه الافتاء مع الامن و علی العامة المصیر الیه ، و الترافع فی الاحکام"

اجرای احکام انتظامی - حدود و تعزیرات - وظیفه امام و نایب او است ، و در عصر غیبت بر عهده فقیه جامع الشرایط است. و بر مردم است که او را تقویت کنند و پشتوانه او باشند و اشغالگران این مهم را در صورت امکان مانع شوند و بر فقیه لازم است که در صورت امنیت ، فتوی دهد و بر مردم است که اختلافات خود را نزد او برند.

(الدروس ص ۱۶۵)

"اتفق اصحابنا على انّ الفقيه العادل الامين لجامع الشرائط الفتوى ، المعبر عنه بالمجتهد في الاحكام الشرعية ، نائب من قبل ائمة الهدى (ع) في حال الغيبة ، في جميع ما للنيابة فيه مدخل..."

اتفاق آرای فقهای شیعه بر آن است که فقیه جامع الشرائط در کلیه شؤون مربوط به امام معصوم ، نیابت دارد.

وسپس می افزاید : " بل لو لا عموم الولاية ، لبقى كثير من الامور المتعلقة بشيعتهم معطله"

اگر ولایت فقیه گسترده و فراگیر نباشد ، هر آینه بسیاری از امور مربوطه به نظم جامعه تشیع به تعطیلی می انجامد.

و در ادامه می نویسد:

"فمن الغريب وسوسة بعض الناس في ذلك ، بل كأنه ما ذاق من طعم الفقه شيئاً و لا فهم من لحن قولهم و رموزهم امراً ، و لا تأمل المراد من قولهم (ع) "انّی جعلته علیکم حاکماً ، و قاضياً و حجة و خليفة و نحو ذلك" مما يظهر منه ارادة نظم زمان الغيبة لشيعتهم في كثير من الامور الراجعة اليهم . و لذا جزم "سلار" في "المراسم" بتفويضهم (ع) لهم في ذلك"

شگفت آور است که پس از این همه دلایل عقلی و نقلی روشن ، برخی از مردم نه فقهاء – در این باره وسوسه و تشکیک کرده ، گویا از فقاقت بویی نبرده و از فهم رموز سخنان معصومین بهره ای ندارد . زیرا عبارت وارده در روایات ، به خوبی می رساند که نیابت فقها از امامان در عصر غیبت در تمامی شؤونی است که به مقام امامت مرتبط می باشد و همان مسئولیتی که خداوند بر عهده ولی معصوم گذاره که بایستی در نظم امور جامعه بکوشد ، بعینه بر عهده ولی فقیه نهاده شده است . و لذا مرحوم "سلار" تصریح می کند که این امر به فقیهان تفویض گردیده است.

( جواهر الکلام ج ۲۱ ص ۳۹۳-۳۹۷ )

بیعت واجب الوفاء است:

قرآن بر این امر به گونه های مختلف تأکید کرده است :

اولا از آن به گونه ای با عنوان بیع که از عقود لازمه است- یاد کرده است:

"فاستبشروا ببیعکم الذی بایعتم به"(توبه ۱۱۱)

ثانیاً این گونه بیعت را بیعت با خدا دانسته که پیمانی است نا گسستگی:

"انّ الذین یبایعونک انّما یبایعون الله ،"(فتح: ۱۰)

ثالثاً وفای به عهد را از لوازم ایمان گرفته است:

" و من اوفی بما عاهد علیه الله"(فتح: ۱۰)

"والموفون بعدهم اذا عاهدوا"(بقره: ۱۷۷)

رابعاً ، نکث بیعت(نقض پیمان)را گناه شمرده است:

" ومن نكث فأنما ينكث على نفسه" (فتح : ۱۰)

هر گونه عهد شکنی ، با عنوان "نکث" یاد کرده که مستوجب کفر و جواز قتال است.

" وان نكثوا ايمانهم من بعد عهدهم و طعنوا في دينكم فقاتلوا ائمة الكفر انهم لا ايمان لهم لعلهم ينتهون . الا تقاتلون قوماً نكثوا ايمانهم .....(توبه: ۱۲-۱۳)

امامت عهد الهی (اطلاق امام بر برخی از انسانها)

..... قال ان جاعلك للناس اماماً .....(بقره: ۱۲۴)

اطيعوا الله و اطيعوا الرسول و اولی الامر منكم(نساء ۵۹)

امامت روح تمام دستورات اسلام:

يا ايها الرسول بلغ ما انزل اليك من ربك و ان لم تفعل فما بلغت رسالته ... (مائده: ۶۷)

و جعلناهم ائمةً يهدون بامرنا و اوحينا اليهم الخيرات و اقام الصلوة و ايتاء الزكوة و كانوا لنا عابدين(انبیاء ۷۳)

هدایت موجودات توسط امام :

و جعلنا منهم ائمة يهدون بامرنا لَمَا صبروا و كانوا باياتنا يوقنون (سجده : ۲۴)

طليعة مقام ولایت " ...ان كنتم تحبون الله فاتبعوني يحببكم الله "(ال عمران- ۳۱)

به دنبال حبیب خدا رفتن انسان را حبیب خدا می کند و وصول به این مرتبه ، طلیعه مقام ولایت است.(جوادی آملی – کتاب ولایت فقیه و عدالت)

احترام گذاردن به آرای عمومی ، بها دادن به رأی اکثریت است و این خود همبستگی ایجاد می کند و میان مردم و دولت مردان علقه و رابطه مستقیم فراهم می سازد و اساساً اعتماد به رأی اکثریت قاطع مردمی ، مصونین ایجاد می کند که از آن با نام " حبل الله المتین " (ریسمان ناگسستنی الهی) یاد شده و همبستگی با انبوه امت (جماعت مسلمین) خود ، نیرویی قدرتمند و گزند ناپذیر است.. خداوند در قرآن می فرماید: " واعتصموا بحبل الله جميعا و لا تفرقوا"(ال عمران ۱۰۲)

به ریسمان ناگسستنی الهی چنگ بزنید ، و از هم پراکنده نشوید . جمله "ولا تفرقوا " مقصود از " حبل الله"را روشن می سازد که جماعت مسلمانان است چنانچه در کلام مولا امیرالمؤمنین (ع) آمده است:

" والزموا السواد الاعظم فان يد الله على الجماعة . و اياكم والفرقة ، فان الشاذ للشيطان ، كما ان الشاذ من الغنم للذئب"(نهج البلاغه خطبه ۱۲۷)(ولایت فقیه – محمد هادی معرفت)

با انبوهی مردمی همراه باشید ، زیرا دست عنایت الهی بر سر جماعت است. زنهار که از پراکنده شدن پرهیزید که نصیب شیطان خواهید شد، همان گونه که گوسفند جدا از گله نصیب گرگ می شود.

جماعت مسلمین ، امت رسول خدا (ص) چه کسانی هستند؟

فقال: "جماعة امتی اهل الحق وان قَلُوا"

فرمودند: جماعت امت من کسانی اند که اهل حق باشند ، و حقیقت را یافته باشند ، گر چه اندک باشند. (کتاب المحاسن – برقی ج ۱ ص ۳۴۶ رقم ۱۲۲/۷۲۰)

لَمَّا اسرى بالنَّبِيِّ ، قال : يا ربَّ ما حال المؤمن عندك ، قال: يا محمد من اهان لي ولياً فقد بارزني بالمحاربة و انا اسرع شيء الى نصرته اوليائي(این روایت شیعه و سنی از رسول خدا(ص) و به روایت قرب نوافل معروف و مشهور شده است . روایت را ابان ابن تغلب به عنوان حدیث قدسی از امام باقر(ع) نقل می کند)(اصول کافی ج ۲ – ص ۳۵۲)

هنگامی که رسول خدا در شب اسرا و معراج به میهمانی خدای سبحان شتافت ، از خداوند سؤال کرد ، پروردگارا منزلت مؤمن در نزد تو چگونه است؟

خداوند فرمود ای محمد ، کسی که به ولی ای از اولیای من اهانت نماید ، آشکارا با من به

ستیز بر خاسته است و من برای نصرت اولیای خود از هر چیزی سریع تر و شتابان ترم.

امام راحل (ره) می فرماید:

"فما هو دليل الامامة ، بعينه دليل على لزوم الحكومة بعد غيبة ولي الامر عجل الله تعالى فرجه الشريف" (کتاب البيع ج ۲ ص ۴۶۱)

دلیلی که بر ضرورت امامت اقامه می گردد ، عیناً بر ضرورت تداوم ولایت در عصر غیبت دلالت دارد . و آن لزوم بر پا داشتن نظام و مسئولیت اجرای عدالت اجتماعی است.

آنگاه می نویسد :

تمامی احکام انتظامی اسلام در رابطه با نظام مالی ، سیاسی ، حقوقی و کیفری همچنان ادامه دارد و مخصوص عصر حضور نبوده است و همین امر موجب می گردد تا ضرورت حکومت و رهبری امت را – برابر دیدگاه شرع – ایجاد کند و فرد شایسته مسئولیت تأمین مصالح امت و تضمین اجرای عدالت را مشخص سازد وگرنه ، تنها پیشنهاد احکام انتظامی و به اهمال گذاردن جانب مسئولیت اجرایی ، مایه، هرج و مرج و اختلال در نظام خواهد بود ، با آنکه می دانیم حفظ نظام از واجبات مؤکد است و اختلال در امور مسلمین از میغوضات شرع مقدس است. بنابراین هدف شارع ، جز با تعیین والی و حاکم اسلامی و مشخص ساختن شرائط و صلاحیت لازم در اولیای امور ، قابل تأمین نیست. این گونه مسائل (سیاسی – اجتماعی) بسیار روشن است که از اموری است که مورد نیاز مبرم جامعه اسلامی می باشد و به اهمال گذاردن آن از جانب صانع حکیم معقول نیست بنابراین هر آن دلیلی که بر ضرورت مقام امامت دلالت دارد، همان دلیل بر ضرورت امتداد مقام ولایت در دوران غیبت نیز دلالت دارد.

کلام مولا امیرالمؤمنین(ع):

"و فرضت- الامامة نظاماً للامة"(شرح نهج البلاغه ج ۹ ص ۹۰)

مسأله امامت و رهبری امت برای حفظ نظام ، یک واجب شرعی و دینی است.

امام علی بن موسی الرضا (ع) می فرماید:

"هیچ گروهی و ملتی بدون زعیم و رهبر نمی توانند به حیات اجتماعی خود ادامه دهند، تا در تنظیم امور دین و دنیای آنان بکوشد. و در حکمت خداوندی نشاید که مردم را بدون معرفی رهبر رها سازد. و هر آینه اگر چنین بود، نظام امت از هم می پاشید و شیرازه شریعت از هم می گسست، و جامعه بشری به تباهی می گرایید....."

( روایت معتبر صدوق در کتاب علل الشرایع (ط نجف) ج ۱ ص ۲۵۲ باب ۱۸۲ )

امام صادق می فرماید:

" انّ الله اجل و اعظم من ان یترک الارض بغير امام عادل" (کافی شریف ج ۱ ص ۱۷۸ رقم ۶)

پیوسته بایستی برای مردم رهبری باشد شایسته، تا هر گاه تند روی کنند آنان را باز دارد و اگر کوتاهی نمایند به کمال رسانند. (همان رقم ۲)

پیوسته جبهه باطل در مقابل جبهه حق، صف آرای می کند، جبهه حق مردم را به روشناییهای زندگی هدایت می کند و جبهه باطل بسوی تیرگیها.

"الله ولی الذین آمنوا یخرجهم من الظلمات الی النور و الذین کفروا اولیاءهم الطاغوت یخرجونهم من النور الی الظلمات .... (نهج البلاغه ۲۵۷)

نوید موفقیت و رستگاری برای کسانی است که راه انتخاب اصلح را در پیش می گیرند و این عین اختیار و آزادی در انتخاب است و هرگز بوی تقلید از آن استشمام نمی گردد و نظام تشکیلاتی که امروزه جمهوری اسلامی ایران برگزیده است، شایسته ترین نظامهای حاکم در جهان آزاد می باشد که حکومتی صد در صد مردمی و مبتنی بر پایه اصول عقیدتی را تشکیل می دهد، و حافظ تمامی اصول و مقومات ملی و مذهبی این سرزمین اسلامی است.

"فبشّر عباد الذین یستمعون القول فیتبعون أحسنه" (زمر - ۱۷) (محمد هادی معرفت- ولایت فقیه)

نوید ده بندگان صالح ما را، که بیوسته به دنبال شیوه های نیک بوده و بهترین را بر می گزینند.

"واقفوا فتنه لا تصیبنّ الذین ظلموا منکم خاصه" (انفال ۲۵)

بیرهیزید آتش فتنه ای را که فقط دامنگیر ستمگران نخواهد گردید، بلکه همه را فرا می گیرد.

لا تظلمون و لا تُظلمون (بقره ۲۷۹) نفی هر گونه سلطه گری یا سلطه پذیری.

خواجه نصیرالدین طوسی در رساله الامامة د رضمن تلخیص المحصل می گوید: امامت ریاستی است عمومی در امور دین و دنیا بالاصالة در دار تکلیف.

ابن میثم بحرانی می گوید: امامت ریاستی است در امور دین و دنیا بالاصالة (قواعد المرام، مبحث امامت)

یا اباذر! انّ اهل الورع و الزهد فی الدنيا هم اولیاء الله حقاً. (بحار الانوار ج ۷ ص ۷۴) (۸۳)

رهنمودهای پیامبر به ابوذر برای تحصیل ولایت ، رها شدن از زینت دنیا – آنان که دنیا را به چشم بی رغبتی می نگرند اولیای الهی هستند. زهد و ورع نشانه ولایت الهی است.

اقسام ولایت: ولایت تشریحی و تکوینی . آیه جامع، آیه الکرسی(بقره ۲۵۷)

ولایت تشریحی با وضع قوانین نورانی انسانها را از ظلمت به نور هدایت می کند.

.....کتاب انزلناه الیک لتخرج الناس من الظلمات الی النور باذن ربهم ... (ابراهیم-۱)

گرچه انسانها در تکوین با اختیار خلق شدند ، اما احدی حق ندارد بعد از حکم خدا ورسول به مخالفت برخاسته و امر دیگری را اختیار نماید و هر کس عصیان کند در ضلالت وگمراهی است. وما کان لمؤمن و لامؤمنة اذا قضی الله و رسوله امرا ان یکون لهم الخیرة من امرهم و من یعص الله و رسوله فقد ضلّ ضلالاً(احزاب-۳۶)

ولایت تشریحی : (نساء- ۵۹)

واژه ولایت سرپرستی و اداره جامعه است.

ولایت فقیه مسئله کلامی است ولی فقیه جانشین امام معصوم(ع) است که امامت آن امام معصوم جزء اصول مذهب است نه اصول الدین(جوادی آملی- شمیم ولایت)

اصل وجوب اطاعت از ولی فقیه مانند اصل وجوب تقلید از مرجع فقهی تحقیقی است نه تقلیدی. (همان)

پیامبر آنگونه که ابن هشام در سیره اش نقل کرده پس از فتح مکه به دونفر دو سمت جداگانه داد به یکی سمت فرهنگی داد و به دیگری سمت سیاسی – اجتماعی و به اصطلاح یکی را وزیر آموزش و پرورش کرد و دیگری را وزیر کشور (سیره ابن هشام ج ۴- ص ۱۴۳)

پس نتیجه می گیریم که هرگز فقیهان و عالمان وارد بخشهای اجرایی نمی شوند ، برخی وارد بخشهای قضایی می شوند ولی ضرورت ندارد که امور اجرایی را عالمان و فقیهان به نحو مباشرت بر عهده بگیرند بلکه تصدی افراد متدین و امین و آشنا به کار کافی است.چنانکه در زمان تصدی معصومین (ع) نیز این گونه بوده است.

در قانون اساسی شرایط رهبری بر اساس همان فقاهت جامع تدوین شده است. لذا کسی که خصوص "فقه مصطلح" را می داند نه "فقه رهبری" را صلاحیت رهبری را ندارد.(جوادی آملی- شمیم ولایت)

رهبر نظام اسلامی فقیهی باید باشد که به همه ابعاد اسلام آگاهی کامل دارد.(همان)

نصب بر دو قسم است : نصب خاص و عام ؛ نصب خاص از طرف امام معصوم (ع) است مانند مالک اشتر (رض) که منصوب حضرت علی بود بر ولایت و حکومت مصر، و نصب عام یعنی تعیین فقیه جامع شرایط مقرر در فقه و رهبری .

فقیه جامع شرایط و رهبر جامعه برای اجرای احکام بر اساس آیه شاور هم فی الامر

(آل عمران- ۱۵۹) و امرهم شوری بینهم (شوری -۳۸) عمل می کند و متخصصان و کارشناسان ارشد هر رشته را در مجمع تشخیص مصلحت نظام قرار می دهد و تصمیم گیری اش ، پس از مشورت با آنان است.(همان)

ولایت و حکومت از آن فقیه جامع الشرایط است و شخص مزبور فقط مجری آن احکام است (۱۱۰ قانون اساسی) و چنین چیزی حتی در قانون اساسی نیز آمده است که رهبر می تواند بخشی از اختیارات خود را به شخصی واگذار کند.

حفظ نظام اجتماعی مسلمانان: علامه حلی می فرماید: حفظ نظام نوع، یکی از اهداف و مقاصد امامت است. زیرا بشر مدنی الطبع است و به تنهایی از عهده حل، مشکلات و تأمین نیاز های خود بر نمی آید. بلکه باید هر کسی عهده دار مسئولیتی شود و کارها با مشارکت، تعاون به انجام رسد. حال ممکن است که برخی افراد از انجام دادن مسئولیت خویش شانه خالی کنند و این امر موجب اختلال نظام اجتماعی شود و برای جلوگیری از آن وجود امام و پیشوایی لازم است که با متخلف به گونه ای مناسب برخورد کند و از بروز اختلال در نظم اجتماعی جلوگیری نماید. (الالفین ص ۸)

دلیل نقلی محض بر ولایت فقیه:

۱- العلماء ورثة الانبياء - (کافی ج ۱- ص ۳۲ به نقل کلینی(ره)) در احادیث مستفیضه از امام صادق(ع)

۲- قال امیرالمؤمنین علی(ع) : قال رسول الله (ص) اللهم ارحم خلفایی قیل : یا رسول الله و من خلفاؤک قال : الذین یأتون من بعدی یروون حدیثی و سنتی(بحار الانوار ج ۲- ص ۱۴۵- ح ۷)

۳- عنوان انبیاء گذشته از حمل معنای خاص، صفت مشیری است به رهبران جامعه و زمامداران امور امت. در بسیاری از آیات قرآن کریم هنگام طرح جریان جنگ و صلح و ارائه مبارزه با سران ستم و نیز ارائه سمت و ولایت امری و سرپرستی جامعه عنوان نبوت - نبی - انبیاء و نبیون و مانند آن اخذ می شود.

۴- وظیفه اصلی انبیاء تدبیر امور ملت است، از فرهنگی - سیاسی - اقتصادی - نظامی

۵- علمی که در ضمن احادیث ماثور به عالمان دین می رسد و وظیفه علما را مشخص

می کند

۶- قال موسی لآخیه هارون اخلفنی فی قومی....(اعراف ۱۴۲) روشن است که خلافت هارون از موسی در دوران چهل روز راجع به تعلیم و تبلیغ احکام نبوده زیرا چنین وظیفه ای را حضرت هارون در زمان حضور حضرت موسی کلیم داشت و تنها رهبری و زعامت امت بوده است که مستقیماً بر عهده حضرت موسی کلیم بود که به منظور حفظ و تداوم آن در ایام مواعده و غیبت چهل روز بر عهده هارون (ع) قرار گرفت.

۷- اصل اول در استنباط احادیث ماثور از معصومین (ع) آن است که آن احادیث ظهور در تشریح دارند نه اخبار از رخدادهای تکوینی که هیچ تعهد شرعی و وظیفه دینی را بهمراه نداشته باشد. البته در برخی از موارد که همراه با قرینه است محمول بر اخبار از آینده به نحو گزارش غیبی یا مانند آن می باشند لیکن پیام اصیل روایات معصومین انشاء احکام و تشریح و ظایف از ناحیه خداوند سبحان است. (جوادی آملی- کتاب ولایت فقیه و عدالت)

آیا رهبری سیاسی بخشی از وظایف نبوت است؟ اگر پاسخ مثبت است چرا برخی از انبیاء الهی حکومت نداشته اند؟

(ال عمران ۱۴۶)- اگر در باره حضرت نوح و عیسی و برخی دیگر از انبیاء الهی به صراحت مطلب در باب حکومت و سیاست در قرآن کریم نیامده باشد، این عدم تصریح دلیل بر نبودن حکومت نیست بلکه از قبیل " رسلاً لم نقصصهم علیک ..(نساء ۱۶۴)- برخی از انبیاء الهی در تاریخ بشر بوده اند و به تصریح خود قرآن نامی از آنان در قرآن نیامده است.

پس حضور انبیاء در صحنه سیاسی و اجتماعی و زمامداری در قرآن آمده (ال عمران- ۱۴۶)

مثلاً جناب لوط با حکومت حضرت ابراهیم زندگی سیاسی و اجتماعی خود و دیگران را در محیط مخصوص خویش اداره می نمود.(همان)



امر حکومت امری عقلایی است و چیزی که برهان معتبر عقلی بر آن اقامه شود حکم شرعی است و دلیل نقلی آنرا امضا می نماید و تعیین حاکم بر اساس شواهد عقلی و نقلی به عهده خداوند است. (همان)

سیاست امری ضروری است در همه شئون زندگی انسان و در همه احکام و دستورهای اسلام لحاظ شده به گونه ای که قوانین دینی جدای از سیاست نیست و سیاست صحیح خارج از قوانین اسلامی نخواهد بود. (همان)

خطوط کلی سیاست در عهد نامه امیرالمؤمنین (ع) به مالک اشتر آمده است: (نهج البلاغه نامه ۵۳)

رسول خدا حکومت مدینه را تشکیل داد. علی (ع) حکومت کوفه و مدینه را تشکیل داد. امام حسن (ع) نیز حکومت تشکیل داد و جنگ کرد تا اینکه صلح را به او تحمیل کردند. سید الشهداء در وصیت نامه خود اگر نوشت: برای امر به معروف و نهی از منکر قیام می کنم

فرمود: اسیر یسیره جدی و ابی " یعنی سیره و روش من همان سیره و روش جدم و پدرم است. (بحارالانوار ج ۴۴ ص ۳۲۹ ح ۲)

امام شهید یا مسموم شدند و در زندان تحت نظر بودند برای این بود که بر ضد حکومت منحرف وقت قیام می کردند و گرنه کسی که فقط حاکمان را نصیحت کند، زاهد و گوشه نشین و عالم مسئله گو باشد کسی کاری به او ندارد. (جوادی آملی- ولایت فقیه و عدالت)

اگر آنها به خدا و پیامبر و ره آورد آن حضرت مؤمن بودند غیر خدا را به عنوان ولی اتخاذ نمی کردند و چون غیر خدا را ولی اتخاذ کردند پس فاسقند و مؤمنی نیستند.

.. و لو كانوا یؤمنون بالله و النبی و ما انزل الیه ما اتخذوهم اولیاء و لکنّ کثیراً منهم فاسقون (مائده ۸۱) زیرا اگر مؤمن به خدا بودند به خدا نزدیک بودند و از باطل دور و کسی که از باطل دور باشد باطل را به عنوان سرپرست اتخاذ نمی کند انما سلطانه علی الذین یتولونه

(نحل ۱۰۰)

سلطنت او بر کسی است که ولایت او را بپذیرد پس از این چند آیه نتیجه می گیریم: اولاً ولایت وجود دارد. ثانیاً انسان باید هوشیار باشد که ولایت چه کسی را بپذیرد و از ولایت چه کسی پرهیز کند تا در روز قیامت که روز ظهور حق و ولایت حق است بدون ولی و سرپرست نماند. انما ولیکم الله و رسوله و الذین امنوا الذین یقیمون الصلوة و یؤتون الزکوة و هم راکعون. و من یتول الله و رسوله و الذین امنوا فان حزب الله هم الغالبون (۵۵ و ۵۶-مائده)

واژه ولاء - مولی - اولیاء- ولایت - ولی که همه مشتق از ولی است. ولی معنای اصلی ولایت قرار گرفتن چیزی در کنار چیز دیگر است (وجود ارتباط بین امور متوالی ضروری است و اگر بین دوشی هیچ گونه ارتباطی وجود نداشته باشد هم چون سنگی در کنار هم باشند رابطه ولایی بین آنها بی معناست. (جوادی آملی- شمیم ولایت)

خدا سرپرست است و موجودات و مخلوقات تحت سرپرستی او قرار دارد. " هنا لك الولاية لله الحق" (کهف ۴۴)

ولایت خدا در قرآن " فانه هو الولی" (شوری ۹) - ما لکم من دون الله من ولی و لانصیر

(بقره ۱۰۷)

ولایت شیطان در قرآن: (نحل ۶۳- نساء ۱۱۹- انعام ۱۲۱- اعراف ۲۷)

ولایت مؤمنان در قرآن: (حجرات ۱۰- توبه ۷۱)

ولایت کافران در قران: (ممتحنه ۱- ال عمران ۲۸- مائده ۵۱- جائیه ۱۹)

اصل وجوب اطاعت از ولی فقیه ، مانند اصل وجوب تقلید از مرجع فقهی ، تحقیقی داست نه تقلیدی(جوادی آملی- همان)

ولایت و حکومت از آن فقیه جامع الشرایط است و شخص مزبور فقط مجری آن احکام است و چنین چیزی حتی در قانون اساسی نیز آمده است که رهبر می تواند بخشی از اختیارات خود را به شخصی واگذار کند.( ۱۱۰ اصل قانون اساسی)

کلمات قصار - پند ها و حکمت‌های امام خمینی(ره)

(چاپ ۱۳۷۲ ناشر مؤسسه تنظیم و نشر آثار)

این ملی گرایی اساس بدبختی مسلمین است.

ملی گرایی ملت ایران را در مقابل سایر ملت‌های مسلمین قرار می دهد.

اینهایی که به اسم ملیت و گروه گرایی و ملی گرایی بین مسلمین تفرقه می اندازند اینها لشگرهای شیطان و کمک کارهای به ابر قدرتها بزرگ و مخالفین با قران کریم هستند.

دفاع از اسلام و حزب الله اصل خدشه ناپذیر سیاست جمهوری اسلامی است.

هر ملتی باید سرنوشت خودش را ، خودش تعیین کند.

اگر یک ملتی پشتوانه "حکومتی نباشد " این حکومت نمی تواند درست بشود.

ولایت فقیه برای مسلمین یک هدیه ای است که خدای تبارک و تعالی داده است.

امروز فقهای اسلام حجت بر مردم هستند.

ولی فقیه حجت خداست.

ملت بی "هادی" نمی تواند کاری انجام دهد.

من به همه ملت ، به همه قوای ا انتظامی اطمینان می دهم که امر دولت اسلامی اگر با نظارت فقیه و ولایت فقیه باشد ، آسیبی بر این مملکت وارد نخواهد شد.

اگر یک فقیهی یک مورد دیکتاتوری بکند ، از ولایت می افتد.

ولایت فقیه است که جلوی دیکتاتوری را می گیرد ؛ اگر ولایت فقیه نباشد دیکتاتوری

می شود.

فقیه نمی خواهد به مردم زور گویی کند ، اگر یک فقیهی زور گویی کند این فقیه دیگر ولایت ندارد.

فقیه اگر پایش را کج بگذارد اگر یک گناه صغیره هم بکند ، از ولایت ساقط است . مگر ولایت یک چیز آسانی است که بدهند دست هر کس.

ولایتی که در حدیث غدیر است به معنای حکومت است نه به معنای مقام معنوی.

تمام گرفتاریهایی که ما در طول مدت تاریخ داشتیم ، بهره بر داری از جهالت مردم بوده است.

لازمه ولایت مطلقه فقیه که انحصار قدرت در دست یک نفر قرار بگیرد و به استبداد منجر نشود.

اولین ویژه گی ، صفت فقاہت است .

دومین ویژه گی صفت عدالت است .

فقیه باید اسلام شناس باشد و بتواند کشور را بر اساس احکام و فرامین تعالی بخش آن اداره کند نه بر اساس آراء غیر خدائی که خواه رأی خود باشد و خواه رأی دیگران و دیگر ویژگی ، سیاست ، درایت ، تدبیر و مدیریت .

شرایط خاص و ویژه ولی فقیه:

اسلام و ایمان (شیعه اثنی عشری) ۲- عدالت ۳- فقاہت ۴- حلال زادگی ۵- مرد بودن

۶- حریت ۷- بر کناری از خصلتهای ناپسند مانند بخل ، حرص ، طمع ، ترس و زبونی ، سازش کاری ، جفاکاری ، خشونت ، کمال بلوغ و عقل ، قوه حافظه مناسب (ر.ک. زین الدین الجبعی العاملی ، الروضه البهیة فی شرح المعة الدمشقیة ج ۳ ص ۶۱- ۷۰) (جعفر سبحانی مفاهیم القرآن ج ۲)

علمای شیعه معتقدند فقها در عصر غیبت و فقدان امام معصوم (ع) این مناصب را بر عهده دارند . ۱- اجتهاد مستمر ۲- قضاوت بر اساس مبانی و احکام اسلامی . ۳- منصب ولایت و رهبری جامعه اسلامی و مدیریت سیاسی و اجتماعی.

(جوادی آملی ولایت فقیه و عدالت ص ۱۴۴-۲۴۲)

در تمام مسائل مربوط به حکومت ، همه آنچه که از اختیارات و وظایف پیامبر (ص) و امامان (ع) پس از او .. محسوب می شود در مورد فقهای عادل نیز معتبر است.

والسلام علی من اتبع الهدی